



جایگاه تفکر در برنامه درسی ملی

دکتر محمد مهدی اعتصامی

که زمینه رشد قدرت تجزیه و تحلیل، استدلال و نقد و ارزیابی را در دانش‌آموزان فراهم کند و از حافظه محوری و انباشت اطلاعات بی‌مصرف در ذهن آنان بپرهیزد و بین توانایی تفکر و یادسپاری اطلاعات، تعادل و توازن به‌وجود آورد.

البته باید توجه شود که نظام آموزشی ناکارآمد سبب می‌شود دانش‌آموزان حتی حجم معمولی اطلاعات را هم زیاد تصور کنند و در تقویت حافظه دچار سستی و رخوت شوند. زیرا وقتی دانش‌آموزان اطلاعات و انباشته‌های حافظه‌ای خود را به کار نمی‌گیرند، مراقبت و نگهداری از آن‌ها هم برایشان مشکل می‌شود و ناگزیر می‌شوند به تکرار خوانده‌ها بپردازند. به همین علت است که گرچه در سال‌های اخیر از حجم کتاب‌ها کاسته شده، اما پاسخگوی مشکلات دانش‌آموزان نبوده است. اگر نظام تعلیم و تربیت راه خود را به سوی تفکر بیابد، چه بسا که به پایداری حافظه هم کمک کند.

مقاله‌ای که تقدیم می‌شود، قدمی است در راستای تحقق برنامه درسی ملی؛ برنامه‌ای که یکی از پنج عنصر محوری در هدف‌گذاری را «تفکر و تعقل» دانسته و تصریح کرده است که این عنصر از جایگاه نخست و محوری برخوردار است (برنامه درسی ملی، نگاشت سوم: ص ۳۷). همچنین، اولین حوزه از حوزه‌های یازده‌گانه یادگیری در برنامه درسی ملی، حوزه «تفکر و حکمت» است.

کلیدواژه‌ها: تفکر، حکمت، برنامه درسی ملی، تعلیم و تربیت

اشاره

یکی از بنیادی‌ترین وظایف نظام تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، تربیت تفکر است^۱. اهمیت بنیادی این وظیفه برخاسته از نظریه تعلیم و تربیت و جایگاه تفکر در آن است. این حقیقت هم در سند «فلسفه تعلیم و تربیت» و هم در «برنامه درسی ملی» تبیین و تأکید شده است.

از آنجا که تربیت تفکر زیربنای سایر ابعاد تربیت محسوب می‌شود، موفقیت برنامه‌های تربیتی مشروط به موفقیت در این حوزه است و کاستی‌های آن نیز به سایر ابعاد سرایت می‌کند و در آن‌ها کاستی‌هایی به‌وجود می‌آورد.

ترسیمی که از اهداف علمی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و اخلاق در چشم‌انداز بیست ساله کشور شده است و فرایندی که در نقشه جامع علمی کشور ترسیم شده، نیازمند تربیت نسلی فکور و اندیشمند است؛ نسلی که تصمیم‌گیری بر مبنای تفکر و خردورزی در اقداماتش مشاهده شود و زندگی فردی و حیات اجتماعی خود را بر این اساس سامان دهد. از این‌رو نظام آموزشی ما به دنبال راه‌هایی است

۱. درباره تفکر ۱/۱. ماهیت تفکر

تفکر جریان قاعده‌مند، منظم، جهت‌دار و منتج و مولد دستگاه عقل و اندیشه انسانی برای دستیابی به حقیقت است. (بهشتی، آیین خردورزی: ۶۹) تفکر یکی از شگفت‌انگیزترین اعمال ذهنی بشر است که با آن به کشف مجهولات می‌پردازد، به سؤال‌های خود پاسخ می‌دهد، جهان پیرامونی را می‌شناسد و زندگی خود را سامان می‌بخشد. دانش منطق درباره، روش اندیشه‌ورزی و تفکر توضیح می‌دهد و به شرح اقسام آن می‌پردازد.

۱/۲. انسان و تفکر

کودک با قوه تفکر متولد می‌شود و از همان آغاز چشم گشودن به جهان، با کنجکاو فطری خود به شکوفایی این قوه می‌پردازد. گویا خود می‌داند این بذر چگونه به درختی تنومند تبدیل می‌شود و به برگ و بار می‌نشیند. آری، خالق حکیم راه کمال و پیشرفت را در خلقت هر یک از مخلوقات خود به ودیعه نهاده و به‌سوی مقصدشان راهبری می‌کند. (اعلی، ۲ و ۳؛ طه، ۵۰).

از این روست که کودک فطرتاً حقیقت‌جوست و کنجکاو او بر خاسته از حقیقت‌جویی اوست (مطهری، مجموعه آثار، ج ۳: ۴۹۲). یعنی کودک به دنبال شناخت حقایق است؛ ابتدا حقایق کوچک پیرامونی و بعد که به تدریج رشد می‌کند، حقایق بزرگ دوردست و متعالی.

به همین خاطر، اندیشمندان زیربنای حیات انسانی را تفکر دانسته و گفته‌اند که زندگی بشر بدون آن سامان نمی‌یابد و کامل نمی‌شود (طباطبایی، المیزان ج ۵: ۲۵۹). و نیز گفته‌اند، تفکر «وسیله دستیابی به جمیع کمالات و معارف مادی و معنوی و مقدمه ضروری سلوک باطنی است» (امام خمینی، چهل حدیث: ۱۹۱).

اصل وجود قوه تفکر و تعقل در انسان امری ذاتی و خدادادی است، نه آموختنی و اکتسابی. به عبارت دیگر، انسان باماهو انسان، متفکر است و اندیشیدن در ذات وی است. اما این قوه با تربیت رشد می‌یابد، شکوفا می‌شود و به فعلیت می‌رسد. هر قدر که برنامه تربیتی کارآمدتر باشد، رشد تفکر نیز بیش‌تر خواهد بود.

۱/۳. هدف و غایت تفکر

درک و نیل به حقیقت با تفکر به دست می‌آید؛ به‌عبارت دیگر، انسان با تفکر و خردورزی «دانا» به حقایق می‌شود و به میل حقیقت‌جویی خود

پاسخ می‌دهد. بنابراین، هر قدر زندگی انسان توأم با تفکر بیشتر و عمیق‌تر باشد، به حقایق بیشتر و متعالی‌تری دانا می‌گردد و به هر میزان که این تفکر کاهش یابد، دانایی نیز اندک خواهد بود. اما حقایق چه چیزهایی هستند که می‌توانیم با تفکر آن‌ها را بشناسیم؟ حقایق بر دو دسته‌اند:

دسته اول از حقایق، واقعیت‌ها و موجودات جهان هستی و روابط و قوانین حاکم بر آن‌هاست. خدا، فرشتگان، ستارگان، کهکشان‌ها، زمین، درختان، حیوان‌ها، انسان‌ها و قوانین میان آن‌ها مانند قانون جاذبه، قوانین گازها و قوانین نور و...

دسته دیگر از حقایق، به اعمال و رفتار انسان مربوط می‌شوند، یعنی خوبی‌ها و ارزش‌هایی که هر انسانی باید در زندگی بدان پایبند باشد: راستگویی، عدالت‌خواهی، رعایت حقوق دیگران، احترام به پدر و مادر، انجام واجبات، دوری از محرمات، احترام به قانون و...

عقل وقتی که در واقعیت‌ها و موجودات عالم تفکر می‌کند تا آن‌ها را بشناسد، «عقل نظری» نامیده می‌شود. و آن‌گاه که می‌اندیشد و فکر می‌کند تا خوبی‌ها را از بدی‌ها، ارزش‌ها را از ضد ارزش‌ها، و رفتارهای زیبا را از رفتارهای زشت بازشناسد، آن را «عقل عملی» می‌نامند.^۱

و همه این دانایی‌ها با تفکر به دست می‌آید. از این‌رو، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در تعبیری زیبا و لطیف، عقل را به درختی تشبیه کرده که ریشه آن فکر و میوه‌اش سلامت از جهل و پندار و زشتی است: اصل العقل الفکر ریشه عقل فکر است. و ثمره السلامه و میوه آن سلامت (شیخ الاسلامی، گفتار امیر، ۱۵۸۳).

امام صادق (ع)، ثمره و نتیجه توجه به عقل نظری و عملی را این‌گونه بیان می‌فرماید:

«انسان خردمند و عاقل حق را به راحتی می‌پذیرد و در مقابل قول حق منصف می‌باشد. در برابر باطل سرکش است و با سخن باطل مخالفت می‌کند. از منافع زودگذر می‌گذرد، اما از دین خود دست برنمی‌دارد. نشانه عاقل دو چیز است: راست‌گویی و درست‌کرداری. خردمند هرگز سخنی نمی‌گوید که نزد عقل مردود است و کاری نمی‌کند که خود را در معرض تهمت قرار دهد. در برخورد با افراد ناملازم مدارا می‌ورزد و در کارهای خود همواره علم را چراغ راه قرار می‌دهد و در همه احوال بردباری را رفیق خود می‌سازد و در پیمودن راه‌ها معرفت را همراه و رفیق راه می‌کند.»^۲

امام صادق علیه‌السلام همچنین می‌فرماید: «ستون خیمه وجود انسان عقل است. این عقل،

برترین میوه درخت تفکر و خردمندی دستیابی به برترین حقیقت، یعنی «معرفت به خدای یگانه» و «یکتاپرستی» است که نتیجه آن رسیدن به زندگی سالم و حیات طیبه است

اصل: تربیت تفکر باید در دو بعد حکمت نظری و حکمت عملی، هم‌دوش و همراه با هم پیش رود تا متریبی بتواند هم آراسته به آداب اخلاقی و مهارت‌های زندگی شود و هم درهای معرفت و دانش به رویش گشوده شوند و او علم را در خدمت سعادت انسان‌ها به کار ببرد و خود نیز به سعادت واقعی برسد

سرچشمه زیرکی، فهم، حافظه و علم است. با خردورزی است که انسان به کمال می‌رسد و همین خرد است که راهنما و بینایی‌بخش و بازکننده قفل‌های امور اوست. آن‌گاه که انسان نور عقل را کمک کار خود کند، دانا، حافظ، یادآور، زیرک و اهل فهم می‌شود.

در این صورت است که پاسخ به «چگونه‌ها»، «چرا»ها و «کجا»ها را بداند و خیرخواه و بدخواه خود را تشخیص دهد. و در آن صورت «مسیر» زندگی خود و پیوندها و جدایی‌های خود را بازشناسد. و در پرستش خدای یگانه و فرمان‌برداری از او اخلاص ورزد...»^۷

از این سخنان نورانی نتایج چندی می‌توان گرفت؛ از جمله:

(الف) خردمندی در کودکی مانند نهال نوبی است که باید رشد کند. عامل رشد آن تفکر است. باید از طریق این ریشه تغذیه شود تا شکوفا گردد و برگ و بار دهد. پس کودکی که کنجکاو می‌کند، دارد درخت خردمندی خود را آبیاری می‌کند.

(ب) خردمند هم درباره واقعیت‌ها راست و درست خبر می‌دهد و هم در رفتار و اخلاق درست عمل می‌کند. یعنی هم تابع عقل نظری است و هم تابع عقل عملی.

(ج) پاسخ سؤال‌های اساسی زندگی (چگونه‌ها، چراها و کجاها) تنها وقتی میسر است که فرد در مسیر تفکر و خردمندی گام بردارد.

(د) برترین میوه درخت تفکر و خردمندی دستیابی به برترین حقیقت، یعنی «معرفت به خدای یگانه» و «یکتاپرستی» است که نتیجه آن رسیدن به زندگی سالم و حیات طیبه است

۱/۴ موانع تفکر

دشمن اصلی تفکر و مانع رسیدن به حقیقت «هوای نفس» است. میل انسان به امور پست، حیوانی و دنیایی سبب می‌شود که او در هنگام قضاوت و دوری و استدلال جانب حق را نگیرد و به باطل تن دهد.

امام صادق (ع) - در ادامه سخنی که قسمتی از آن قبلاً آمد - می‌فرماید:

و هوای نفس دشمن عقل و مخالف حقیقت و هم‌نشین باطل است. هوای نفس از شهوات نفسانی نیرو می‌گیرد. علامات و نشانه‌های هوای نفس از چهار چیز تولید می‌شود:

۱. خوردن مال حرام؛
۲. غفلت از وظایف الهی؛
۳. سستی و مسامحه در انجام آداب و سنن الهی؛

۴. بی‌باکی در فرو رفتن در شهوات نفسانی و لهو و لعب (مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة، ۱۶۰).

جلوه اصلی هوای نفس بی‌تقوایی است و اولین اثر بی‌تقوایی خروج از انصاف در هنگام قضاوت و داوری است. قرآن کریم که نور مبین است، تنها می‌تواند کسی را راهنمایی کند که در قدم اول دارای تقوا باشد (بقره/۲). همان‌طور که امام صادق (ع) در سخنی دیگر فرموده است، کسی که گرفتار هوای نفس است، گرفتار رذائل اخلاقی می‌شود و به میزانی که در گرداب این رذائل فرو رود، زندانی جهل می‌گردد.^۸ «تقوا» به معنی «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان متقی کسی است که در هنگام ارزیابی و قضاوت درباره چیزی، بر خودش تسلط دارد و نمی‌گذارد هوای نفس دخالت کند و در نتیجه از آنچه تفکر، منطق و استدلال به او می‌گوید پیروی می‌کند (علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ذیل آیه ۲ سوره بقره).

انسان، در کودکی دارای مرتبه اولیة تقوا، یعنی تقوای فطری است. کودک حقیقت را باطل جلوه نمی‌دهد و باطل را به جای حقیقت نمی‌گذارد. کودک همان را که می‌بیند و حس می‌کند، گزارش می‌دهد. او لبریز از انصاف و حقیقت‌جویی است. رفتارهای غلط والدین و دیگر اطرافیان و تربیت ناقص و ناصحیح آنان جوانه‌های بی‌تقوایی را در وجود وی می‌کارند و به تدریج حس حقیقت‌طلبی او را، به‌خصوص در بعد عقل عملی و تفکر در امور مربوط به زندگی، کم فروغ می‌کنند و او به جای تأثیر‌پذیری از استدلال، تحت‌تأثیر عواملی مانند عوامل زیر تصمیم می‌گیرد.^۹

۱. ظن و گمان
۲. تقلید از گذشتگان
۳. خشم و کینه
۴. شهوات و امیال
۵. شخصیت‌ها و کبرا
۶. تعصب بی‌جا
۷. نظر اکثریت
۸. لجاجت
۹. دلبستگی و حبیبی‌جا

علاوه بر این، انسان آن‌گاه به موفقیت و رستگاری حقیقی می‌رسد که تفکر در حوزه حکمت عملی را دوش به دوش حکمت نظری پیش ببرد. چه بسیار دانشمندانی که علوم طبیعی و انسانی و نظایر آن را دارند، اما زندگی سعادت‌مندان‌های ندارند؛ یعنی اهل عبرت گرفتن نیستند، آراسته به اخلاق فاضله نمی‌باشند و در برابر هوای نفس توانایی ایستادگی ندارند. افرادی را که تابع هوای نفس هستند و اخلاق الهی را رعایت نمی‌کنند، قرآن کریم جاهل می‌نامد

و می‌فرماید: «همانند کسانی نباشید که گفتند شنیدیم، ولی نمی‌شنوند. همانا بدترین جنیندگان به نزد خداوند کران و کورانی هستند که اهل خرددوری نمی‌باشند» (انفال / ۲۱ و ۲۲) این افراد در مرحله‌ی نهایی ارزیابی از زندگی، در قیامت، حسرت‌زده می‌گویند: «اگر گوش می‌دادیم و تعقل می‌کردیم، از یاران جهنمیان نمی‌شدیم» (ملک / ۱۰). نتیجه‌اینکه:

اصل: تربیت تفکر باید در دو بعد حکمت نظری و حکمت عملی، هم‌دوش و همراه با هم پیش رود تا مرتب‌تری بتواند هم آهسته، آهسته متخلق به آداب اخلاقی و مهارت‌های زندگی شود و هم درهای معرفت و دانش به رویش گشوده شوند و او علم را در خدمت سعادت انسان‌ها به کار ببرد و خود نیز به سعادت واقعی برسد.

۱/۵. سطوح تفکر

اینکه در کدام مرحله از ادراک، تفکر صورت می‌گیرد، اختلاف‌نظر است. منطق‌دانان تفکر را به آن مرحله‌ای مربوط می‌دانند که استدلال صورت می‌گیرد؛ خواه استدلال تجربی و خواه استدلال قیاسی^{۱۱}. استدلال‌هایی که در ریاضیات، علوم طبیعی، فلسفه، علوم انسانی و خلاصه در علوم عقلی و نقلی صورت می‌گیرد، همان تفکر است. کودکی که در فروشگاه اسباب‌بازی‌ها را با هم مقایسه می‌کند و با دلیلی که برای خود می‌آورد، یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کند، دست به تفکر می‌زند. البته تفکر کودک متناسب با موضوعی که درباره‌ی آن می‌اندیشد، ساده است و به تدریج توانایی تفکر و آوردن استدلال در مسائل و موضوعات پیچیده‌تر را کسب می‌کند. بنابراین، سطوح تفکر از ساده و ابتدایی شروع می‌شود و به سطوح پیچیده‌تر می‌رسد و نمی‌توان میان این سطوح به‌طور دقیق مرزبندی کرد. البته روشن است که تفکر در موضوعات قابل مشاهده که اجزای کمتری داشته باشند، آسان‌تر و در موضوعات غیرمحسوس یا دارای اجزای زیاد و پیچیده مشکل‌تر است.

۱/۶. ارزش تفکر در قرآن کریم و روایات

با اینکه از استفاده‌ای که در خلال مباحث از آیات و روایات به عمل آمد، جایگاه تفکر در اسلام روشن می‌شود، اما برای فرهنگ‌سازی بیشتر و تقویت مسئولیت بزرگ دینی و تلاش دو چندان برای تربیت تفکر در فرزندان و دانش‌آموزان، مروری بسیار کوتاه بر آیات و روایات می‌کنیم. مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید، بیش از سیصد

آیه قرآن کریم در ارج‌گذاری به تفکر و تعقل و دعوت مردم بدان است. در این کتاب آسمانی بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۲۸۰ بار از تذکر و ذکر، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از خرددوری، ۱۹ بار از ژرفاندیشی در تفکر، ۱۸ بار از تفکر، ۸ بار از تدبیر، ۸ بار از برهان، ۱۳۲ بار از تبیین و بینة، ۱۱۴ بار از حکمت و مشتقات آن و نیز ده‌ها کلمه دیگر، مانند قلم و کتاب که به تفکر و تعقل مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین، ده‌ها مورد به نكوهش جهل، غفلت و به کار نینداختن دستگاه اندیشه وجود دارد. این‌ها غیر از مواردی هستند که قرآن کریم از ساختار استدلال استفاده کرده است؛ ساختاری که بر کل این کتاب حاکم است و حتی یک مورد نقص هم ندارد. لذا با قاطعیت می‌توان گفت که این کتاب از این جهت در تاریخ تمدن بشر منحصر به فرد است و اگر کسی با حقیقت آن انس داشته باشد، متفکر و خردمند رشد خواهد یافت.

از همین روست که می‌گوییم، شکوفایی علم در تمدن اسلامی بیش از هر چیز مرهون و مدیون قرآن کریم است. زیرا نفوذ قرآن کریم در میان مسلمانان به‌گونه‌ای بود که هر عامل دیگری را تحت‌الشعاع قرار می‌داد. دعوت قرآن کریم به تفکر در حد توصیه اخلاقی نیست، بلکه دعوت به یک امر واجب و فریضه دینی است. همان‌طور که استاد مطهری می‌گوید، قرآن کریم بیانی بسیار مؤدب و محترمانه دارد و هیچ کجا حرمت‌شکنی نمی‌کند. اما وقتی به انسان‌هایی می‌رسد که عقل و فکر خود را به کار نمی‌گیرند، لحنی تند می‌گیرد و می‌فرماید: بدترین جنیندگان نزد خدا انسان‌هایی هستند که خدا به آن‌ها زبان داده و لالند، گوش داده و کردند، عقل داده اما تفکر و تعقل نمی‌کنند (یادداشت‌های مطهری، ج ۱: ۱۳۶۰) (انفال، ۲۲)^{۱۱}.

زندگی عملی پیامبر اکرم و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) و سلوک و رفتار آنان و نیز کلمات و سخنان آن بزرگواران، مدرسه تفکر و خردمندی است. اولین منبع حدیثی شیعه، یعنی کتاب کافی، با بخشی آغاز می‌شود که «کتاب العقل و الجهل» نام دارد. با مراجعه به احادیث این بخش در می‌یابیم که از نظر بزرگان دین، خداوند مخلوقی شریف‌تر و ارزشمندتر از عقل و خرد نیافریده است. مذکرات علمی و مناظرات امامان بزرگوار ما حکایتگر توجه جدی آنان به استدلال و منطق و دوری از مغالطه حتی در برابر مخالفان سرسخت است.^{۱۲}

ترجیح تفکر بر هر عبادتی و یا آن را بالاترین عبادت دانستن، خود بهترین گواه بر ارزشمندی تفکر نزد کسانی است که معتقدند خلقت انسان فقط برای عبادت و بندگی بوده است.^{۱۳} بنابراین، از نظر اسلام:

پی‌نوشت‌ها

۱. دلایل این وظیفه در مقالات آینده ذکر خواهد شد.
۲. منطق‌دانان و فلاسفه با عبارت‌های مختلفی تفکر را تعریف کرده‌اند، که بسیار به هم نزدیک است. برای اطلاع بیشتر می‌توان به آثار زیر مراجعه کرد: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۵ (کلیات منطق، ص ۹۹)؛ ابن‌سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۱، ص ۱۰ - ۱۴، حاج ملا هادی سبزواری، شرح المنظومه، ص ۱۸؛ علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۵۲. محمدرضا مظفر، المنطق، ص ۱۹.
۳. «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی». «ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی»
۴. معرفت به حقیقت از سه راه برای انسان به دست می‌آید. دو راه آن درونی یعنی در هر فرد انسانی وجود دارد که عبارت است از: «تفکر» و «شهود». تفکر، معرفت و دانش حصولی به حقایق را به انسان می‌دهد و شهود که از راه تزکیه باطن و یا سیر و سلوک صورت می‌گیرد، علم حضوری را برای انسان به ارمغان می‌آورد. راه بیرونی کسب معرفت، پیامبران و امامان (صلوات الله علیهم) و کتاب‌های آسمانی هستند که از طریق وحی به آنان داده شده است. البته راه درک کتاب‌های آسمانی نیز همان قوه تفکر و تعقل است که در درون انسان است. از این رو امام کاظم (ع) پیامبران و ائمه را حجت ظاهر و عقل و تفکر را حجت باطن نامیده است (کافی، ج ۱: ۹).
۵. برای تحقیق بیش‌تر درباره عقل نظری و عقل عملی می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲ (آشنایی با علوم اسلامی)، ص ۲۹؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۸ (درس‌های الهیات شفا)، ص ۴۰۸ - ۶۷. قال الامام الصادق (ع): «العقل من کان ذلولا عند اجابه الحق، منصفاً بقوله، جومحاً عندالباطل، خصیماً بقوله، ترک دنیا ولاترک دینه. دلیل العاقل شیطان: صدق القول و صواب الفعل و العاقل لایجدت بما ینکره العقول و لا یتعرض للثمّة و لایعد مدارات من ابتلی به، و یكون العلم دلیله فی اعماله و الحکم رفیقه فی احواله و المعرفة رفیقه فی المناهیه...» (مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، ص ۱۵۹)



۷. قال الامام الصادق (ع): «دعامة الانسان العقل، و العقل منه الفطنة و الحفظ و العلم، و بالعقل يكمل. و هو دليله مبصره و مفتاح امره، فإذا كان تأييد عقله من النور كان عالماً حافظاً ذاكراً فطنا فهما. فعلم بذلك كيف و لم و حيث، و عرف من نصحه و من غشه. فإذا عرف ذلك عرف مجراه و موصوله و مفضوله. و اخلص الواحدنيته و الاقرار بالطاعة».

(اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۴۸)

۸. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به: «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، امام خمینی (رحمة الله علیه).

۹. این سطوح برگرفته از کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تألیف حسن شعبانی (ص ۱۶۲ تا ۱۶۸) است.

۱۰. درباره حقیقت تفکر رجوع کنید به: منطق صوری، تألیف دکتر خوانساری، الاشارات والانتبهات، تألیف ابن سینا، منطق نوین، تألیف دکتر عبدالحسین مشکوه‌الدینی، منطق، تألیف محمدرضا مظفر.

استاد مطهری در کتاب منطق خود می‌گوید: ذهن اعمال چندی انجام می‌دهد که یکی از آن‌ها و شگفت‌انگیزترین آن‌ها تفکر است. اولین عمل ذهن تصویرپردازی از دنیای خارج است. ذهن ابتدا از راه حواس با اشیای خارجی ارتباط برقرار می‌کند و صورت‌هایی از آن‌ها نزد خود گرد می‌آورد. دومین عمل، حفظ صورت‌های گردآوری شده است. سومین عمل، تجزیه و ترکیب است. در تجزیه ذهن یک مفهوم را به اجزای مفهومی تقسیم می‌کند. در ترکیب، از چند مفهوم، مفهوم جدیدی پدید می‌آورد. چهارمین عمل ذهن، تجرید و تعلیم است. در تجرید، چند چیز را که در خارج همیشه با هم‌اند، از یکدیگر تفکیک می‌کند. مثلاً عدد را که همواره با معدودهای محسوس و قابل مشاهده است، جدا می‌کند. در تعلیم، صورت‌های دریافت شده جزئی را به یک مفهوم کلی تبدیل می‌کند. پنجمین و برترین عمل ذهن، تفکر یا استدلال است. در تفکر است که انسان از معلومات خود استفاده می‌کند و به معلوم جدید می‌رسد (مجموعه آثار، ج ۵ کلیات منطق)، ص ۹۹.

۱۱. ر. ک: قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، محمد مهدی علیقلی و تلخیص کاظم تقی‌زاده.

۱۲. ر. ک: ابومنصور احمد بن علی طبرسی؛ الاحتجاج؛ شیخ صدوق؛ عیون اخبار الرضا؛ کلینی؛ اصول کافی، ج ۱.

۱۳. سوره ذاریات، آیه ۵۶: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون». امیر مؤمنان می‌فرماید: افضل العبادت‌التفکر (غزال‌الحکم و ذر الکلم، ج ۲، ص ۴۱۷)، لاعبادت کالتفکر (همان، ج ۶، ص ۳۴۸).

۱۴. بیشتر این فواید برگرفته از سخنان امام کاظم (ع) به هشام بن حکم است که در کتاب اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۲۰ تا ۲۹ آمده است.

۱. بر هر پدر و مادری فریضه و واجب است که در تربیت تفکر فرزندان خود کوشا باشد و بی توجهی به آن‌ها مانند سایر واجبات، گناه محسوب می‌شود.

۲. بر نظام اسلامی فرض و ضروری است که زمینه‌ها و شرایط شکوفایی تفکر و خردورزی آحاد جامعه را فراهم کند.

۳. بر هر فردی واجب است اهل تفکر و تعقل باشد و برنامه زندگی خود را براساس آن پایه‌ریزی کند.

آن‌گاه که مهارت ارزیابی و داوری در او تقویت شد، به ثمرات و میوه‌های تفکر دست می‌یابد. و از آنجا که توانایی ارزیابی و داوری نوعی توانایی رشد یابنده است، آثار و فواید آن نیز متناسب با رشد تفکر، فزونی می‌یابد. بنابراین، شناخت فواید و ثمرات تفکر می‌تواند راهی برای شناخت دانش‌آموزان باشد که در بایبیم تا چه میزان به تفکر عادت کرده‌اند. یعنی فوایدی که برای تفکر در اینجا خواهد آمد، معیار سنجش و ارزیابی قدرت تفکر در دانش‌آموزان خواهد بود. اهم این ثمرات که از سخنان معصومان بزرگوار (ص) و برخی از کتاب‌های تربیتی برگرفته شده‌اند، در جدول زیر مشاهده می‌شود^۴:

۱/۷. ثمرات تفکر در زندگی انسان
وقتی انسان به تمرین تفکر بپردازد، به تدریج قدرت داوری و ارزیابی خود را افزایش می‌دهد.

۱	پذیرش یا رد سخن دیگران براساس دلیل	۱۶	درک بهتر قواعد منطقی مانند: نبود تناقض، سازگاری و قطعیت
۲	توانایی توجه به یک موضوع از جهات مختلف	۱۷	تصمیم‌گیری براساس تدبیر قبلی و دوراندیشی
۳	دنباله روی دیگران نبودن و تصمیم‌گیری مستقلانه	۱۸	پاسخ به سؤال‌ها براساس اندیشه و تأمل قبلی
۴	توانایی دیدن نتایج و عواقب کار	۱۹	اظهار نظر نافع و مفید برای همگان
۵	تأثیرپذیرفتن از عادات و تلقینات نابه‌جا	۲۰	توانایی حل مسائل به نحو صحیح در مواجهه با چالش‌ها
۶	توانایی تشخیص اولویت‌ها در زندگی استفاده مطلوب از زمان	۲۱	دوری از هیجان و شتابزدگی در قضاوت‌ها
۷	توانایی تنظیم امیال و خواسته‌های خود	۲۲	داشتن روحیه نقادی از خود و اصلاح اشتباهات
۸	تابع حق بودن و پایداری در آن	۲۳	توانایی همکاری با دیگران و پذیرش جمع
۹	ترجیح هدف‌های برتر و اصلی از هدف‌های کوچک و فرعی	۲۴	توانایی به کار بردن ادب در بحث و گفت‌وگو
۱۰	توجه به مصالح جمع در کنار مصالح فرد	۲۵	توانایی شرکت در رقابت سالم و دوستانه
۱۱	داشتن آرامش روحی	۲۶	توانایی آشکار کردن پرسش‌های لایه‌های پنهان ذهن
۱۲	داشتن روحیه انصاف نسبت به سخن دیگران	۲۷	توانایی تمرکز و عطف توجه به سخن دیگران
۱۳	دوری از سطحی‌نگری و ظاهر بینی	۲۸	خودآگاهی به منابع ذهنی خود
۱۴	توانایی مواجهه منطقی با تبلیغات سوء و شست‌وشوی فکری	۲۹	ارزش دادن به بحث استدلالی برای فهم بهتر
۱۵	داشتن غیرت و حمیت نسبت به حقیقت		

این جدول به منزله شاخص‌های دانش‌آموز متفکر و خردمند است و چون این شاخص‌ها کیفی است برای تعیین میزان تحقق آن‌ها، نیازمند ارزیابی کیفی هستیم.